

# چند پاسخ

رفیق - تهران  
نظر تو درباره‌ی برخورد به جناح‌های  
حاکمیت که بطریق زیر جمع‌بندی کرده‌ای درست  
است :

"اگر حاکمیت از دو جناح بورژوازی  
و خرده‌بورژوازی تشکیل یافته است بر  
خورد کمونیستها نسبت باین دو جناح  
چگونه باید باشد؟ البته حکم کلی  
نمی‌توان داد. این امر بستگی به  
شرایط مبین اجتماعی دارد. مثلا در  
شرایطی شاید بتوان از تضاد بین  
آنها استفاده نمود و یا از یک جناح  
در مقابل جناح دیگر حمایت کرد ولی  
با این شرط که اولاً این کار از موضع  
پرولتری باشد و ثانیاً به رشد  
کمونیستها کمک کند."

در حقیقت دو شرط برای زمینه‌ی کار فائسل  
شده‌ای که یکی حکم کلی نهادن و دیگری امکان  
(و نه قطعیت) استفاده از تضادهای درونی  
حاکمیت است که هر دو شروط کاملاً درستی  
هستند. همچنین در نحوه‌ی استفاده نیز دو شرط  
قابل شده‌ای که یکی حرکت از موضع پرولتری  
و دیگری کمک به رشد کمونیستهاست. این  
دو نیز اساسی‌ترین شروط استفاده از این  
تضادها هستند. درست بهمین دلیل باید مطلقاً  
از دادن حکم کلی لیبرالها خطر عمده‌هستند  
یا خرده‌بورژوازی اجتناب کرد. این امر  
بستگی به این دارد که در چه شرایط مشخصی  
سر می‌گیریم. برنامه‌ی سیاسی و اقتصادی هر  
یک کدام است. کدام یک است که فشار عمده  
را به کمونیستها وارد میکند. کدام یک  
بیشتر جلو رشد آنها را خواهد گرفت و غیره.  
بنابراین در شرایطی که خفقان و فساد  
آزادیهای دموکراتیک وجود دارد و فاشیستها  
امکان تحرک را از بین می‌برند لاجرم دفاع از  
آزادیها و کوشش جهت کسب آزادیهای دموکراتیک  
قسمت مهمی از فعالیت کمونیستها را بخود  
اختصاص میدهد و بر عکس در مواردی که جاده  
سافدگنی برای حرکت سرمایه‌ی امپریالیستی  
دستاوردهای مردم را از بین می‌برد فاشیسم مبارزه  
علیه این اقدامات ضروری تر از همیشه میشود.

در دو شماره‌ی ۴۶ و ۵۶ رهائی مقالاتی  
در این زمینه آمده است که امیدواریم روشنگر  
باشد. در این مورد باز هم سخن خواهیم  
گفت. قدر مسلم آنست که از نظر  
آزادیخواهی "لیبرالها" همانقدر کذابانه است  
که فدا مبریا لیست بودن رقبای آنها در حاکمیت.  
کوشش اعظم کمونیستها باید مصروف تشکیل  
صف مستقل خویش و پیوند روزافزون

جس کارتری باشد. استفاده از این تضادها  
مرفا گاهی مسراست و نه همیشه، و شماره  
در این موارد نیز جنبه‌ی تبعی نسبت به  
وظیفه‌ی درجه‌ی اول دارد.

● علی‌الامول هنگامیکه از خرده‌بورژوازی سخن  
می‌رود منظور خرده‌بورژوازی در حاکمیت است.  
راجع به سخهایی که در حاکمیت نیستند و  
میزان نزدیکی و دوری آنها به پرولتاریا  
قبلاً سخن گفته‌ام. بنابراین منظور از جناح  
"مرجع تر" غیردموکرات‌تر و عقب مانده‌تر  
آن بخش از خرده‌بورژوازی است که توسط حزب  
جمهوری اسلامی و شرکاء معرفی میشود. این امر  
که مثلا بورژوازی لیبرال "پیشرفته‌تر" از  
خرده‌بورژوازی سنتی است مزیتی برای آنها  
نیست چون این "پیشرفته‌تر بودن" در عین  
حال مبین نزدیکی بیشتر با سرمایه‌ی جهانی  
نیز هست.

● در مورد "فاشیست" و صفاتی نظیر آن آنچه  
در حقیقت مورد نظر است شباهت اسلوب کار  
است و نه سمبول یک نظام مستقر اجتماعی  
بودن. شاه مخلوع را اصطلاحاً فاشیست می  
خواندیم و حال آنکه نظام زمان او را به  
معنای دقیق کلمه فاشیسم نمیتوانستیم  
بخوانیم. بهر حال بکاربردن واژه‌ی فاشیسم  
آميز است ولی کلاً غیر مجاز نیست.  
ضمناً باید توضیح داد که فاشیسم از ابتدا  
از حرکت و خواست سرمایه‌ی انحصاری برخاسته  
است. فاشیسم یک حرکت بدواً خرده‌بورژوازی  
است که در جامعه‌ی سرمایه‌داری الزاماً در  
ادامه‌ی خود در اختیار جناحهای قدرت قرار  
میگیرد و مبین خواسته‌های آنها میشود.

● در مورد "حقوق دموکراتیک لیبرالها" در  
جامعه‌ی سرمایه‌داری در همان مقالات رهائی  
(شماره‌ی ۴۶ و ۵۶) توضیح داده شده است.  
اگر "لیبرالها" محدود میشوند باید دید از  
چه گرایشی و با چه اهدافی است. حکم کلی  
در مورد خوبی و بدی این محدودیت نمیتوان  
داد. بگفته‌ی خود تو باید از وضع تحلیلی  
مشخص کرد.

● رفیق ع-ا  
در رهائی ۵۲ در مورد سچفا اظهار شده است  
که این سازمان یا باید از خواست توده‌های  
خرده بورژوازی که به سازمان روی آورده  
بودند متاثر میشد که در اینصورت گرایشهای  
خرده بورژوازیش تشدید میشد و یا با بدسبب  
خواست این توده‌ها بی اعتنا میماند که البته  
بهرتر از شق اول نبود. سوال تو اینست که آیا راه  
سومی نیز وجود داشته‌یانه .



چند پاسخ ...

کمهای مالی دریافت شده

قبل از جواب باید ببینیم چرا چنین سازمانی که ادعای کمونیست بودن میکند عمدتاً توده خرده بورژوا را جلب میکند. هنگامیکه یک سازمان کمونیستی هنوز توده ای نشده است شاید اجتناب ناپذیر باشد که اعضاء و هواداران آن تمامدستی کمونیستهای از منشاء خرده بورژوازی باشند ولی ما از سازمانی سخن میگوئیم که پایه توده ای پیدا میکند. اگر این پایه توده ای از میان خرده بورژوازی باشد خود بهترین دلیل است که مشی سیاسی این سازمان برای خرده بورژوازی جذاب بوده است یعنی مطابق خواسته های این قشر بوده است و نه مطابق نیازها و خواسته های طبقه کارگر مشی سیاسی واقعی را باید در نظر گرفت و نه الفاظ و کلیشه های بظا هر کمونیستی در ادبیات سازمان را. طبیعی است در چنین حالتی یعنی در حالی که یک سازمان مشی خرده بورژوازی داشته باشد و توده وسیع خرده بورژوا هم به آن جلب شوند سقوط چنین سازمانی قطعی است. و منظور از سقوط عیان شدن ماهیت واقعی سازمان و عریاضت شدن مشی خرده بورژوازی آنست. ما نیز مانند تو معتقدیم که یک سازمان کمونیستی توده ای علاوه بر طبقه کارگر، بخشی از خرده بورژوازی را نیز ممکن است جلب کند. در چنین صورتی طبیعی است که وظیفه سازمان، آموزش کمونیسم و زدودن گرایشهای خرده بورژوازی از چنین بخشی است و تنها پس از انجام این پروسه است که این ها میتوانند عضویت یک سازمان کمونیستی درآیند. در مورد سجنفا، هم مشی سیاسی آن وهم پایه توده ای آن خرده بورژوازی بوده و بالتبع به آموزش سیاسی کمونیستی هواداران نیز توجهی نمیشد. ملاک عضویت نه برداشت صحیح و درک درست از کمونیسم بلکه میزان شور و شوق نسبت به سازمان بود. بهمین دلیل بود که ما هیچ بنده ای بجز سقوط در مقابل این سازمان نمی دیدیم.

در پاسخ رفیقی که در مورد مفهوم "حاکمیت زحمتکشان" سوال کرده است، باید بگوئیم که این واژه بدین خاطر بکار می رود که در جوامعی که پرولتاریا اکثریت را تشکیل نمیدهد و قشرهای وسیعی از زحمتکشان وجود دارند، پرولتاریا در اتحاد با این اقشار بقدت میرسد و ضمن آنکه دولت خود یعنی دولت دیکتاتور پرولتاریا را تشکیل میدهد خواهستهای زحمتکشان دیگر را نیز که ممکنست دقیقاً منطبق بر برنامه های تاریختمییین شده پرولتاریا نباشند، متحقق میکند. بعنوان مثال در این رابطه میتوان انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ را ذکر کرد که در آن بلشویکهای بقدت رسیدند برنامه ی ارضی را نیز برای دهقانان که خواهستان مالکیت زمین بود به اجرا درآوردند. بنا بر این مثال، دولت شوروی دولت دیکتاتور پرولتاریا بود ولی حکومت، حکومت زحمتکشان و باین مفهوم اتحاد کارگران و دهقانان بود و خواهستهای تاریخی هر دو را اجرا میکرد.

الف	س	شیراز
۱۰۵۰	۱۰۴۳۰	م
۲۰۰۰	۱۰۷۶۲	۱۰۰۲۵
۱۰۵۴۵	ع	رضائیه
ب	۱۳۰۰	ب
۵۱۴۵	۲۲۲۲	۵۶۵۹
ج	ف	ف
۲۰۲۵	۱۰۰۰	۱۰۵۰۹
۶۰۰۰	م	اصفهان
ح	۵۳۰۰	ب
۵۰۰۰	۱۲۵۱	۳۰۷
خ	۲۱۰۵	س
۱۰۲۲	ن	۳۰۰۲
ر	۱۴۰۰	ش
۱۱۷۳	ب - م	۵۰۰۹
۱۰۰۹	۱۰۱۲	و
۵۲۷	بابلسر	۱۰۰۵
۱۰۱۳۲	م	ی
ژ	۱۱۰۰	۵۰۵
۱۰۰۳		

دانشجویان هوادار سازمان در امریکا (نیویورک - نیوجرسی) ۱۳۰۰۰۰

رفقای هوادار!

هموطنان مبارز!

سازمان ما برای پیشبرد برنامه های مبارزاتی خود احتیاج مبرم به کمکهای مالی شما دارد. هر قدر هم که با چیز باشد، از هر طریق که میتوانید به ما برسانید.



پرتوان تر با اتحاد کارگران علیه سرمایه داران